

بوستان محله المهدی، میزبان مردان بازنشسته‌ای است که دل به بازی خوش کرده‌اند

شادی کهن



جذابیت بیشتری پیدا می‌کند. پیرمردهای کارتن به‌دست معلوم است که می‌خواهند روی زمین اتراق کنند. بعضی‌هایشان مصمم روی مفر حکومتی‌شان که یک تکه کارتن یخچال است، پا دراز کرده‌اند و مهره‌های سبز و سفید و سرنوشت‌ها را که در میان خطوط متقاطع روی زمین جابه‌جا می‌شود، فرمانروایی می‌کنند.

شرطی، بازی نمی‌کنیم

روی آسفالت با گچ سفید دو تا بازی دوز کشیده‌اند و حالا دو گروه دونفره با سرنوشت‌های آبی و سبز، تمرکز کرده‌اند که هر چه زودتر سه‌تا از این سرنوشت‌ها را در یک ردیف به‌هم برسانند تا دست رقیب را ببندند و بقیه تماشا می‌کنند. یکی از آنان یعنی سربانی که این بوستان پاتوق همیشگی‌اش است، می‌گوید: «همیشه می‌آیند اینجا بازی می‌کنند، مردی که سن و سالش از بقیه بیشتر است و با جدیت بیشتری بازی را دنبال می‌کند، تاکید می‌کند: «شرطی، بازی نمی‌کنیم، سرپرست و باخت نیست، برای سرگرمی است.»

بازار سیار انگشت

آن طرف‌تر چند پیرمرد دیگر جمع شده‌اند و بحثشان بالا گرفته‌است. از آن بی‌حالی و کسلی خبری نیست، شلوغ می‌کنند و سکوت بوستان را می‌شکنند. می‌پرسم: «آنجا چه خبر است؟» پیرمردی که تازه از جمعشان جدا شده است،

غریبه‌ای در میان ما

بازنشسته‌هایی که در میان این بوستان جمع می‌شوند، یکدیگر را خوب می‌شناسند. صبح تا ظهر مشغول گپ‌زدن هستند و از مسائل خانوادگی تا سیاسی را باهم به اشتراک می‌گذارند. گاهی با یکدیگر همدردی می‌کنند و گاهی راه حل به‌هم نشان می‌دهند. گاهی هم که می‌بینند یکی از جمعشان کم شده است، سراغش را می‌گیرند. اگر بیمار باشد، دسته جمعی به عیادتش می‌روند و اگر خدایی ناکرده جمعشان را ترک کرده باشد، برای عرض تسلیت خدمت خانواده‌اش می‌رسند. در کشور کوچک شادی که این جمع کوچک آشنا در میانه خلج دورهم ساخته‌اند، افراد حواسشان به‌هم هست و حضور غریبه‌ای چون من در میانشان به چشم می‌آید؛ همین است که خودشان به‌سراغم می‌آیند و می‌پرسند چه شده که جوانی گذرش به میان آن‌ها افتاده است.

دوز بازی روی آسفالت

این موقع روز که ساعت حدود ۱۰ صبح است، بوستان در قرق پیرمردهاست. مردان سروموی سپید کرده‌ای که تعدادشان روی نیمکت‌های آفتاب‌گیر فضای سبز خلج ۷ بیشتر است. از دور که قضاوت کنی، قرار است وارد جمع خموده‌ای شوی که در آستانه پیری و کهنسالی، کاری جز چرت زدن روی نیمکت‌های بوستان ندارند اما هر چه توقف طولانی‌تر می‌شود، اتفاقات برای

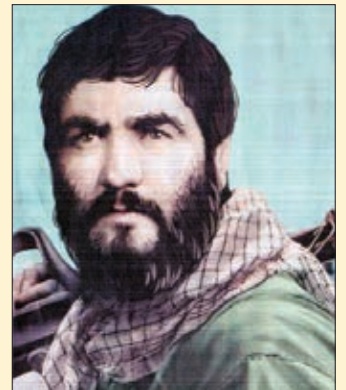
ریحانه‌محب- پیرمردها دیگر دنیایشان از سر کار رفتن در ساعت ۸ صبح و کرکره بالا دادن جدا شده است. آن‌ها حالا که آفتاب عمرشان از نیمه گذشته است، خواب ندارند و صبح‌زود باید جایی را داشته باشند که به آنجا بروند؛ جایی که دورهم جمع شوند و یادشان برود که سنی از آن‌ها گذشته است؛ جایی که بازی کنند، بشنوند و شنیده شوند. جدول حل کنند و گه‌گاهی معامله کنند. جایی شبیه بوستان شادی.

پیرمردها هم هستند

هوا میانه است. نه آن قدر سرد است که مغز استخوانت را یسوزاند و نه آن قدر گرم که بخواهی بایک لایه پیراهن، بیرون باشی. مردم، گرمای آفتاب را به خنکای سایه ترجیح می‌دهند. جوان‌ترها کمتر و مسن‌ترها بیشتر. تابلوی آبی رنگ بوستان شادی در حاشیه خیابان خلج، آفتاب می‌گیرد و دیگران را راهنمایی می‌کند؛ بوستان قدیمی منطقه که براساس تصور عام و به‌دلیل وجود کتابخانه شهید مطهری در میانه آن، باید با جوان‌ترها انس بهتری داشته باشد. جوانانی که کنکوری‌ها در راس آن‌ها هستند؛ همان کنکوری‌هایی که بارها و بارها این مسیر را رفته و آمده‌اند اما کافی است گشت کوتاهی در این بوستان بزنی تا بدانی که اینجا فقط مخصوص جوان‌ترها نیست؛ پیرمردها هم اینجا سهم دارند. آن‌ها در گوشه گوشه بوستان حضور دارند و هر کدام به‌گونه‌ای سر خودشان را گرم کرده‌اند.

پیرمردهای کارتن به‌دست پا دراز کرده‌اند و مهره‌های سبز و سفید و سرنوشت‌ها را که در میان خطوط متقاطع روی زمین جابه‌جا می‌شود، فرمانروایی می‌کنند

تاریخ انقضا



شاهیان- جا ماندند؛ دیدار با همسر شهید رستمی، آن‌هم در روزهایی که به‌نازگی در خانه‌های سازمانی مرکز تحقیقات، کمی پایین‌تر از محله عسکریه ساکن شده است، درست در سالگرد شهادت «بابا محمد» اتفاقی بود که از آن، جا ماندند. خانه باصفای همسر شهید کجا و ما کجا که مجبور شده بودیم یکمتر راه را در آزادراه مشهد-باغچه بهیماییم؟ خطای راننده باعث شد سسر از راه تاریکی درآورم که نه رفت و آمدی در آن بود و نه راه برگشتی از آن. یک لحظه غفلت، ما را مسافر راهی کرده بود که به این زودی‌ها بازگشتی نداشت، حتی نمی‌دانستیم کجای ۳۹ کیلومتر آزادراه هستیم و تنها چشم به دو خطی دوخته بودیم که سفیدی‌شان بر سیاهی آسفالتی نو کشیده شده بود. پیامک آمد که «برگشتی؟» اما جای برگشتی نبود. همسر شهید در سالروز شهادت «رستم نفت‌رسان» در خانه‌اش چشم انتظار خبرنگاری نشسته بود که حالا یکمترها از او دور شده بود. مستند رستم نفت‌رسان در دست من بود و همسر «رستم» داشت برای مسئولان شهری که میهمان خانه‌اش شده بودند، از درگیری‌های امروزش در دهه ۹۰ با نفت می‌گفت. انگار انگار که تاریخ انقضای مصرف نفت برای گرمایش خانه‌ها گذشته است.

برای من به‌عنوان دبیر نشریه، این دیدار اگر از دستش نمی‌دادم، اتفاق خوبی بود؛ چون در منطقه ۷، میزبان خانواده شهیدی می‌شویم که تا چندی قبل مرزبندی‌های شهری و منطقه‌بندی‌ها اجازه این میزبانی در منطقه را از ما گرفته بود. خواستیم تصویر شهید و روایت هنری از زندگی او را که همسرش نیز در آن نقش پررنگی داشت، در قالب یک اثر هنری به‌عنوان رستم نفت‌رسان به خانواده برسانیم که اگر می‌رساندیم، چه تقارن خوبی داشت جان فدایی‌های دیروز شهید برای رساندن نفت به خانواده‌های نیازمند در اوایل انقلاب، تا صبور می‌این روزهای بی‌گاز خانه همسر شهید که هنوز گرمایش محیط خانه‌اش به نفت وابسته است.

هنوز خستگی راه‌های رفته را از تن بیرون نکرده بودم که همسر شهید، تلفنی گفت: مسئولان شهری رفته‌اند اما من هنوز منتظر شما هستم. هر چند حرف‌هایم همان حرف‌های همیشه است، ولی در این روزهای سالروز، دلم یک دیدار دیگر می‌خواهد. گفتم ما هم طالب این دیدار بودیم اما توفیقش را نداشتیم. دیدار باشد برای وقتی که اتفاق‌های ناخواسته، آزرده خاطر من نکنند و شب، توفیق آن را منقضی نکنند.

معاون خدمات و محیط زیست شهری شهرداری مشهد مطرح کرد

بوستان‌های بزرگ، ظرفیتی برای تعریف پروژه‌های اقتصادی

مشهد، نیز اظهار کرد: عملکرد این منطقه به‌عنوان یکی از مبادی ورودی مهم شهر مقدس مشهد، در خدمت به‌زائران و مجاوران حضرت رضا (ع) در مناسبت‌های مختلف، مثبت و مطلوب ارزیابی شده است. این نشست با حضور کوروش باوندی، شهردار منطقه، و معاونان او و کارشناسان حوزه معاونت خدمات شهری شهرداری مشهد برگزار شد.

خلیل کاظمی ضمن تقدیر از خدمات شهری صورت گرفته به‌ویژه در حوزه فضای سبز، گفت: سعی می‌کنیم با برگزاری این جلسات و بررسی فعالیت‌های انجام شده خدمات شهری و فضای سبز در مناطق، مشکلات احتمالی این حوزه را شناسایی و رفع کنیم.

صحرارگرد، مدیر خدمات شهری شهرداری

معاون خدمات و محیط زیست شهری شهرداری مشهد با حضور در منطقه ۷ گفت: از بوستان‌های بزرگ سطح منطقه به‌عنوان پتانسیلی برای تعریف پروژه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری به‌منظور تأمین هزینه‌های جاری و افزایش رضایتمندی شهروندان می‌توان بهره برد. به‌گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه ۷،